

جلسه من

پروانه معصومی درگذشت

مرا به جشن تولد فراخوانده بودند

چرا سر از مجلس ختم درآورده‌ام؟

قیصر امین پور

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: یاسر اصلانی
روابط عمومی: فاطمه محمودی
تحریریه: سهیلا سادات حسینی، فاطمه محمودی، یاسر اصلانی

ماه نامه سایس من

«فرهنگی - هنری»

وابسته به انجمن تعلیم و تربیت اسلامی



وب سایت: www.sayesman.ir www.totayar.ir

@sayes_man



@totayar.ir

@nashre.tahkim.khanevade



@totayar



طراح جلد و صفحه بندی: فؤاد

رایان نامه totayar@iran.ir

Iea.iran@iran.ir

ماهنامه «سایس من» با وابستگی به انجمن تعلیم و تربیت اسلامی، رسالت خود را در حوزه ی فرهنگ و هنر دنبال می کند. از این رو نام سایس به معنای «ادب آموزنده» را برای خود انتخاب کرده است. تا این سؤال را مدام از خود بپرسد که چه کسی به من ادب آموخت؟. سایس من کیست؟



با عضویت در انجمن تعلیم و تربیت اسلامی زندگی خود را سامان دهید.

انتشارات تحکیم خانواده تولید کننده محتوای استاندارد زیر نظر انجمن

تماشایی برای هر علاقه‌مند به ورزش است. خوشبختانه میبینم که اینها پیش رفته. ورزشی که امروز اینجا این بچه‌ها کردند، از ورزش زورخانه‌ای که ما در دوره‌ی جوانی دیدیم انصافاً بهتر بود؛ هم چرخشان بهتر بود، هم میلشان بهتر بود، هم شنایشان بهتر بود، هم کار پایشان بهتر بود؛ همه چیزش انصافاً بهتر بود. ما در دوره‌ی جوانی — آن مقداری که حالا توانستیم ببینیم و دیدیم — در همه‌ی دورانها و گودهای مختلفی که دیده بودیم، کاری به این قشنگی ندیده بودیم. پیدا است که پیشرفت حاصل شده، پیدا است که استعداد وجود دارد؛ از این استعداد باید حداکثر استفاده را کرد. و من از این جوانهای عزیز و نوجوانهای عزیزم تشکر میکنم؛ کارتان خیلی قشنگ بود، خیلی خوب بود. و از مربیانشان هم واقعاً باید تشکر کنم؛ زحمت زیادی کشیده شده و کار خوبی شده. این برادران عزیز [هم] — ما آنوقت‌ها به اینها میگفتیم «مُرشد»، نمیدانم حالا چه میگویند؛ (۳) بله، از برادرها هم تشکر میکنم، ما را وارد کردند به اصطلاح زورخانه‌ای‌ها — انصافاً خیلی خوب ضرب گرفتند، خیلی خوب کار کردند. کار ورزش باستانی‌ای که امروز اینجا انجام گرفت، مجموعاً بسیار خوب بود.

و اما عرایض من باشما ورزشکاران عزیز؛ چه پیش کسوت‌ها، چه ورزشکارهای جوان. من دو سه مطلب را میخواهم عرض کنم. مطلب اول که شاید از نظر من مطلب اصلی باشد، تشکر و قدردانی است. حقیقتاً بنده موظف میدانم خودم را که تشکر کنم، اولاً از همه‌ی ورزشکاران و تلاشگران عرصه‌ی ورزش؛ همه‌ی آن کسانی که در صحنه‌های ورزشی تلاش میکنند، زحمت میکشند، سختی‌ها را تحمل میکنند. حضور در عرصه‌ی ورزش اراده میخواهد، عزم راسخ میخواهد؛ اینها را شما نشان دادید،

بیانات رهبری در دیدار قهرمانان ورزشی و مدال‌آوران بازی‌های آسیایی و پارا آسیایی



بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا و حبيب قلوبنا ابي القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين سيما بقیة الله في الارضين ارواحنا له الفداء

خیلی خوش آمدید برادران عزیز، خواهران عزیز، فرزندان عزیز ملت ایران. امروز برای ما جلسه‌ی بسیار خوب و شیرینی بود؛ هم دیدار شما، هم گفتار شما، هم ورزش باستانی بسیار زیبایی که این جوانهای ما و نوجوانهای ما اینجا انجام دادند. من اول پردازم به همین ورزش باستانی. یکی از توصیه‌هایی که من چند سال قبل به مسئولین ورزش کشور کردم این بود که سعی کنند این ورزش را بین‌المللی کنند؛ (۲) این ورزش بسیار ورزش زیبایی است. این گود ما، این سردم و ضرب ما، این حرکات ورزشی بسیار زیبا، آن شنا، آن میل‌گیری، آن میل‌بازی، آن چرخ‌کی که میزنند، آن کارهایی که میکنند — که امروز یک نمونه‌های خیلی قشنگ آن را این نوجوانهای عزیزمان انجام دادند — همه‌ی اینها چیزهای

کردند، مدالشان را به کودکان غزه دادند، مدالشان را به شهدای بیمارستان (۴) — که محلّ فاجعه آفرینی رژیم صهیونیستی بود — اهدا کردند. تشکر میکنم از ورزشکارانی که از رویارویی با طرف صهیونیست خودداری کردند؛ امروز معلوم میشود که اینها چه کار درستی انجام دادند؛ حقانیت اینها امروز بیشتر از همیشه آشکار میشود. این تشکرهای ما است

این تشکر صرفاً یک تشکر زبانی نیست، فقط به خاطر یک حرکت خوب نیست — که خب هر کار خوبی که کسی میکند، انسان باید از او تشکر کند — این به خاطر این است که این کارهایی که بعضی از آنها را اسم بردم، چهره‌ی برجسته و شاخص و دارای منطق و دارای اعتماد به نفس از ملت ایران را در مقابل چشمهای صدها میلیون مردم تماشاگر ورزش نشان میدهد، ملت ایران را معرفی میکند. این کارها، این حرکات زیبا، بخشی از قدرت ملی ایران است. همه ورزش میکنند، همه ملتها ورزشکار دارند، بازیگر دارند، کشتی‌گیر دارند، فوتبالیست دارند، والیبالیست دارند، افتخار هم درست میکنند برای کشورشان، اما این کارهایی که شما انجام دادید، در دنیا شاخص است و برتر از مسئله‌ی ورزشکاری و افتخارات ورزشی است؛ اینها افتخارات انسانی است. خب، پس این تشکر ما از شما است به خاطر این حرکات بزرگ و زیبا و پرمعنایی که انجام دادید

علاوه‌ی بر این، تلاش شما و موفقیت شما دل ملت را شاد میکند. وقتی شما یک مدال کسب میکنید — مدالهای رنگارنگ — ملت اینجا شاد میشوند و احساس سرافرازی میکنند. این برای من خیلی مهم است که شما دل ملت را شاد کنید، به آنها احساس سرافرازی بدهید؛ از این جهت هم من تشکر میکنم. بنابراین، عرض اول ما با شما

ورزشکارهای ما بحمدالله نشان دادند. تشکر میکنم از مدال‌آوران این عرصه که خود این «مدال» نشانه‌ی تلاش است، نشانه‌ی سخت‌کوشی است. مدال یک نشانه است، یک علامت است؛ علامت سخت‌کوشی شما است. تشکر صمیمانه میکنم از مدال‌آوران. تشکر میکنم از بانوان ورزشکار؛ از آن بانویی که با حجاب کامل، پرچم این دوره از ورزشهای آسیایی را حمل کرد و در مقابل یک دنیا هویت و شخصیت زن ایرانی را نشان داد. تشکر میکنم از آن بانوی ورزشکاری که در هنگام اهدای مدال، حاضر نشد با مرد نامحرم دست بدهد؛ او دستش را دراز کرد، این بانو دست نداد. اینها خیلی اهمیت دارد؛ اهمیت این حاشیه‌ها از خود ورزش کمتر نیست، [بلکه] شاید بیشتر است. تشکر میکنم از آن بانویی که با کودک نوزاد خودش، در آغوش، رفت روی سکو و مدالش را گرفت؛ این یک حرکت نمادین است؛ این در دنیا به معنای احترام گذاشتن زن به نقش خانواده و نقش مادری است. تشکر میکنم از ورزشکارانی که حاشیه‌های ارزشی را به ورزش خودشان افزودند و اضافه کردند؛ سجده کردند روی زمین بعد از پیروزی، دستشان را به دعا بلند کردند در وسط میدان ورزشی، پرچم را بوسیدند، روی پرچم سجده کردند. اینها خیلی کارهای مهمی است؛ اینها کارهایی است که تشخیص ورزشکار ایرانی — اسلامی را، بلکه هویت ملت ایران را در مقابل چشم صدها میلیون تماشاگر نشان میدهد و ثبت میکند؛ اینها کارهای کوچکی نیست. این سجده با سجده‌ای که انسان در خانه میکند یا در مسجد میکند، خیلی فرق دارد؛ این چادر با چادری که در خیابان تهران کسی سرش میکند خیلی فرق دارد. تشکر میکنم از آن تیم ملی‌ای که به نشانه‌ی دفاع از مظلوم، با چفیه وارد زمین شد. تشکر میکنم از ورزشکارهایی که هر کدام به نحوی در حمایت از فلسطین موضع گرفتند؛ موضع خودشان را در مقابل چشم دنیا — نه در خفا — اعلام

ورزشکاران عزیز عبارت بود از تشکر، با این تفصیلی که عرض کردیم.

حرف دوم، سخن با مسئولان است. البته ما با مسئولان بین‌المللی ورزش خیلی حرف داریم، به آنها خیلی ایراد داریم؛ روزی باید به این ایرادها عادلانه رسیدگی بشود. امروز قدرتهای استعمارگر و استثمارگر و مستکبر، تقریباً پشت سر همی مراکز بین‌المللی ایستاده‌اند و مانع از بررسی عادلانه‌اند، اما یک روز ان‌شاءالله نوبت بررسی عادلانه به این چیزها خواهد رسید. می‌گویند «ورزش سیاسی نیست»، اما آن وقتی که احتیاج دارند ورزش را سیاسی کنند، به بدترین شکل ورزش را سیاسی میکنند. به یک بهانه‌ای یک کشور را از شرکت در همه‌ی آوردگاه‌های ورزشی بین‌المللی محروم میکنند؛ چرا؟ [چون] شما فلان جا جنگ کردید؛ اما همانها پنج هزار کودک شهید را در غزه ندیده می‌گیرند! اینجا ورزش نباید سیاسی بشود، اما آنجا به طور واضح سیاسی میشود، اشکالی هم ندارد! یک کشور را به بهانه‌ی جنگ از مسابقات جهانی محروم میکنند، یک کشور را، یک دولت را بکلی ندیده می‌گیرند؛ نه اینکه به خاطر جنگ، [بلکه] به خاطر جنایتهای جنگی و حتی به خاطر نسل‌کشی [هم] آن را از ورود در میدانهای بین‌المللی محروم نمیکنند. از این قبیل هست دیگر؛ اینها متأسفانه مشکلات بین‌المللی ورزش دنیا است؛ و مخاطب این حرفها هم مسئولان ورزش دنیا هستند؛ حالا رشوه‌ها بماند، فسادها بماند، ناداوری‌ها بماند، مافیاهای ورزشی دنیا بماند؛ یک روزی ان‌شاءالله باید به اینها رسیدگی بشود. این مربوط به مسئولان جهان است.

مسئولان محترم ورزشی کشور گفته‌ام، بعضی‌ها را هم در جلسات خصوصی به آنها و به مسئولان بالاترشان تذکر داده‌ام و گفته‌ام؛ باید دنبال بشود. همانهایی که حالا وزیر محترم اینجا ذکر کردند، باید دانه‌دانه دنبال بشود؛ همان مطالبی که این کشتی‌گیر عزیزمان اینجا گفت، باید دنبال بشود. من می‌گویم ایران قوی باید ورزش قوی داشته باشد. ما شعار «ایران قوی» داده‌ایم دیگر؛ (۵) ورزش ایران قوی باید یک ورزش قوی باشد. قوت ورزش به چیست؟ اتخاذ تدابیر درست در انتخاب مربی، در ترکیب تیم‌های ملی در همه‌ی رشته‌ها، در مراقبت جدی از بروز آفت در ورزش؛ مراقب باشند که در ورزش کشور آفت به وجود نیاید. «آفت» یعنی چه؟ یعنی فساد اقتصادی، یعنی تشکیل مافیاهای ورزشی در داخل، یعنی آفتهای اخلاقی برای ورزشکاران پاکیزه و پاک‌دامن ما؛ اینها باید مراقبت بشود.

یکی از وظایف مسئولان محترم ورزش کشور این است که برای رفع مشکلات قدیمی ورزش برنامه‌ریزی کنند. «مشکلات قدیمی» یعنی چه؟ [یعنی] سؤالی‌های بی‌پاسخ: نقش دولت در ورزش چقدر است؟ دولت چه اندازه در ورزش یا در تیم‌های ورزشی دخالت کند؟ مسئله‌ی خصوصی‌سازی، مسئله‌ی قراردادهای ورزشی، مسئله‌ی مربی خارجی و امثال اینها؛ اینها سؤالی‌هایی است که مطرح است و هر چند وقت یک بار، یک پاسخی داده میشود، باز بعد از مدتی این پاسخ تغییر پیدا میکند. اینها باید برنامه‌ریزی بشود؛ یک برنامه‌ریزی مبتنی بر اساس اصول حرفه‌ای ورزش. این جزو نیازهای واقعی ورزش کشور است؛ این یک مسئولیت مهم مسئولان ورزشی است.

یک مسئولیت مسئولان محترم ورزشی رسیدگی به وضع زندگی ورزشکاران است که اینجا اشاره هم کردند. این

اما مسئولان خودمان که با آنها حرفهای زیادی داریم. من خیلی از این حرفها را در حضور خود ورزشکارها به

سخن یک ورزشکار، یک رفتار یک ورزشکار — چه در میدان ورزش، چه در بیرون از میدان ورزش — میتواند تأثیر سازنده‌ای در جوانها داشته باشد؛ این مسئولیت شما را سنگین میکند. خدای متعال به قدر محبوبیت شما برای شما تکلیف دارد. هرچه محبوبیتتان، توانایی‌تان، مطرح بودن‌تان بالاتر برود، تکالیفی هم به همان مناسبت بر دوش شما از ناحیه‌ی پروردگار می‌آید؛ به این توجه کنید؛ هم خانمها، هم آقایان، جوانان و نوجوانان. شهرت و مورد توجه قرار گرفتن، انسان را در معرض برخی لغزشها قرار میدهد که باید به این کاملاً توجه کنید.

یک نکته‌ی دیگر به شما ورزشکاران عزیز این است که شما باید خدا را خیلی شکر کنید. این توانایی جسمی را خدا به شما داده؛ این عزم و اراده‌ای که شما در میدان رقابت ورزشی به کار می‌برید — که اگر این عزم و اراده نباشد، پیروزی امکان ندارد و فقط قدرت بدنی کافی نیست — هم قدرت بدنی را، هم این عزم و اراده را خدا به شما داده؛ خب از خدا باید سپاسگزاری کنید، شکرگزاری کنید؛ اینها نعمتهای الهی هستند. هر نعمتی شکر لازم دارد و اگر شکر کردید، این نعمت افزایش پیدا میکند. ان شاء الله.

خب، این هم عرایض ما به شما. من هم که غالباً دعا میکنم همه‌ی جوانها را، همه‌ی ورزشکارها را؛ بخصوص شماها را ان شاء الله دعای مخصوص خواهم کرد و همیشه هم دعا میکنم.

یک جمله هم درباره‌ی مسئله‌ی فلسطین عرض بکنیم. اگر من بخوام به شما ورزشکارها درباره‌ی این حوادث اخیر یک جمع‌بندی ارائه بدهم، آن جمع‌بندی و آن جمله‌ی کوتاه این است که رژیم صهیونیستی در حادثه‌ی

کارهایی که وزیر محترم گفتند بنا است در زمینه‌ی مسکن و اشتغال و امثال اینها انجام بگیرد، بسیار کارهای خوبی است، به شرطی که دنبال کنند، به شرطی که با جدیت پیگیری بشود. نمیشود ما از ورزشکار توقع داشته باشیم که در میدانهای جهانی افتخارآفرینی بکنند، اما با نیازهای آنها رفتار متناسبی نداشته باشیم. باید کاری کنند که ورزشکاران ما در یک سطح قابل قبولی بتوانند اطمینان خاطر برای زندگی داشته باشند. به نظر من بهترین راهش همین مسئله‌ی اشتغال، مسئله‌ی مسکن و مانند اینها است که گفتند.

یکی از وظایف مسئولان رفتار پدرانها با ورزشکار است. من خواهش میکنم مسئولین کشور با ورزشکاران همه‌ی رشته‌ها نشست و برخاست صمیمانه داشته باشند. البته بعضی از رشته‌های ورزشی بیشتر مطرح میشوند، بعضی از رشته‌ها خیلی کم مطرح میشوند؛ با همه‌ی این ورزشکاران در همه‌ی رشته‌ها نشست و برخاست داشته باشند، بنشینند، حرفهایشان را بشنوند، درد دل‌هایشان را بشنوند، درخواست‌هایشان را بشنوند و پاسخگو باشند. این درخواست‌های ما از مسئولان و خطاب ما به مسئولان ورزشی است.

چند جمله هم به خود شما ورزشکاران عزیز عرض میکنم. چهره‌ی ورزشی برای خیلی از جوانها الگو میشود. رفتار شما، حرکات شما، گفتار شما، نوع زندگی شما جوانهای عزیز و نوجوانهای عزیز که چهره‌ی ورزشی هستید، غالباً برای بسیاری از جوانها الگو میشود؛ خب، این مسئولیت شما را سنگین میکند. وقتی شما الگو هستید، میتوانید یک بخشی از جوانهای کشور را به راه راست هدایت کنید، خوشبخت کنید، سعادت‌مند کنید؛ خدای نکرده عکسش هم ممکن است. بنابراین، رفتارتان خیلی مهم است. یک

والسّلام علیکم ورحمة الله و برکاته

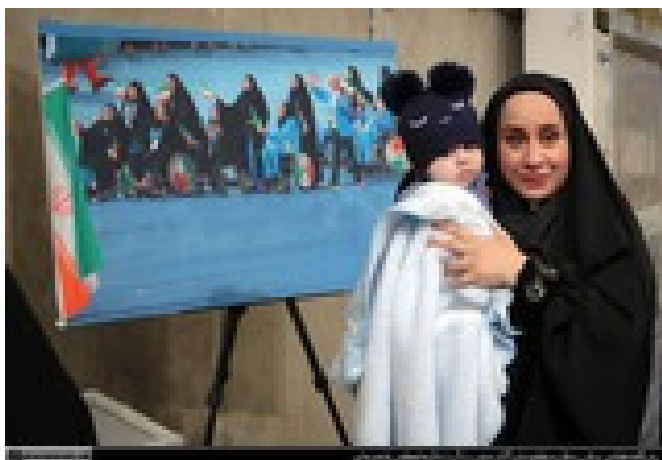
(۱) در ابتدای این دیدار، آقای کیومرث هاشمی (وزیر ورزش و جوانان) گزارشی ارائه کرد. همچنین خانم معصومه زارعی (کاپیتان تیم ملی والیبال نشسته‌ی بانوان) و آقای امیرحسین زارع (قهرمان ملی پوش کشتی آزاد) مطالبی بیان کردند.

(۲) بیانات در دیدار رئیس و معاونان سازمان تربیت بدنی و رؤسای فدراسیون‌های ورزشی کشور (۱۳۷۵/۱۰/۸)

(۳) پاسخ حضار

(۴) بیمارستان المعمدانی غزه

(۵) از جمله، سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران (۱۴۰۰/۱/۱)



طوفان الاقصی ضربه‌فنی شد؛ یعنی حماس به عنوان «یک گروه مبارز — نه به عنوان یک دولت، نه به عنوان یک کشور با امکانات زیاد؛ به عنوان یک گروه، یک گروه مبارز — توانست دولت غاصب صهیونیست را با آن همه امکانات ضربه‌فنی کند؛ این خلاصه‌ی مطلب است. تا امروز هم نتوانسته‌اند خودشان را از زیر بار فشار و ننگی که این شکست بر آنها وارد کرده خارج کنند. بله، قدرت‌نمایی میکنند، اما کجا؟ در بیمارستان‌های غزه، در مدرسه‌ی غزه، روی سر مردم بی‌پناه غزه! این قدرت‌نمایی ارزشی ندارد؛ این، مثل آن است که یک ورزشکاری در میدان شکست بخورد، بعد برای تلافی آن شکست، به طرفدارهای تیم مقابل حمله کند، به آنها فحاشی کند و آنها را کتک بزند! یعنی فضاحت‌بارتر از کاری که رژیم صهیونیستی کرده انصافاً وجود ندارد. آن باخت سنگین رژیم صهیونیستی با این بمبارانها جبران نخواهد شد و این جور بمبارانها عمر این رژیم غاصب را کوتاه‌تر خواهد کرد. این ظلم و بی‌رحمی بی‌پاسخ نخواهد ماند؛ این را بدانند. امروز دیگر همه‌ی دنیا فهمیده‌اند که چرا ورزشکار ایرانی راضی نمیشود در میدان با طرف صهیونیست روبه‌رو بشود؛ این را دیگر امروز دنیا فهمیده؛ چون او جنایت‌کار است، چون برای یک دولت جنایت‌کار دارد ورزش میکند و داخل میدان می‌آید؛ کمک به او کمک به رژیم تروریست و جنایت‌کار است.

به هر حال، از همه‌ی شما تشکر میکنم، از یکایک ورزشکاران تشکر میکنم. از این جوانان و نوجوانان عزیزی که اینجا ورزش کردند و در واقع داخل این گود مصنوعی توانستند به این زیبایی و قشنگی ورزش کنند، تشکر میکنم. از این جوانانی که اینجا ضرب گرفتند تشکر میکنم. از همه‌ی شماها متشکرم. ان شاء الله موفق و مؤید باشید.

شدیم، وقتی به آمار حدود ۶۴۰ فیلم متقاضی حضور در جشنواره مواجه شدیم که بیش از چهار سال گذشته است.

حضور ۶۰ فیلمساز زن در جشنواره

دبیر هفدهمین جشنواره بین‌المللی «سینما حقیقت» درباره تعداد فیلم‌های حاضر در جشنواره گفت: ۶۴۰ فیلم متقاضی حضور در جشنواره بودند. ۲۲۳ فیلم نیز در بخش شهید آوینی متقاضی شدند. در این بین ۶۰ فیلمساز زن در جشنواره داشتیم.

وی اظهارداشت: ۳۸۹ فیلم از شهرستان‌ها درخواست حضور در جشنواره را داشتند که از این بین حدود ۳۸ فیلم از ۲۳ شهر انتخاب شده است. این تنوع و تکثر استانی در ایران عزیز ما زیننده و زیباست به صورت قطعی ۲۰ استان در جشنواره حضور دارند.

جشنواره امسال متنوع و متکثر از چهره‌های جدید است. نوزایی محتوایی و دگرگونی ساختار و محتوا در فیلم‌ها رخ داده و کشف چهره‌های جدید در کنار فیلمسازان پیشکسوت و قدیمی در این دوره به چشم می‌خورد دبیر هفدهمین جشنواره بین‌المللی «سینما حقیقت» در پاسخ به یکی از خبرنگاران درباره حضور بی‌پروای موضوعی مستندسازان در جشنواره گفت: برخی از تهدیدها سینمای مستند را از یک درگاه کشف عبور داده است. در استان‌ها به یک کشف خوب رسیدیم. استان‌ها برای ما حیات سینمای ایران هستند. هنوز با فرم‌های رنگ‌آمیزی شده و سفارشی خارجی بزک نشده است. استان‌ها هنوز درگیر قواعد جشنواره‌های خارجی نشده‌اند. از این رو وارد حوزه

راه‌یابی به بازارهای جهانی؛ مهمترین هدف جشنواره «سینما حقیقت» / حضور ۶۰ زن فیلمساز



تهران- ایرنا- دبیر هفدهمین جشنواره بین‌المللی «سینما حقیقت» گفت: در ایران خودمان مستند، تولید و مصرف می‌کنیم. در صورتی که هدف و جریان‌سازی اصلی ما رخنه این آثار در بازارهای دنیاست که به صورت عملی درخواست خواهد آمد.

به گزارش خبرنگار سینمایی ایرنا، نشست خبری هفدهمین جشنواره بین‌المللی «سینما حقیقت» یکشنبه- ۱۹ آذرماه با حضور محمد حمیدی مقدم دبیر جشنواره در سالن حقیقت مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی برگزار شد.

حمیدی مقدم در این نشست درباره ویژگی‌های بارز جشنواره اظهارداشت: امسال سال متفاوتی را گذراندیم. شاهد رشد و استقبال متقاضیان در حوزه فیلم مستند بودیم و با توجه به اتفاقات و هزینه‌های بالای سینما فکر می‌کردیم که ساخت مستند فروکش کند اما شگفت زده

جدیدی شده‌ایم که فرصت خوبی را برای ما فراهم خواهد کرد.

حمیدی مقدم افزود: نکته قابل توجه در جشنواره امسال با سال گذشته این است که در حوزه مشاوران حضور چشمگیری داشتیم. از سال گذشته گروه مشاوران در کنار دبیر رای می‌دادند و تکثر بیشتری شکل گرفت و به شکل جمعی و آکادمیک نزدیک شده بود. حدود ۲۵ مشاور در کنار ما بودند و در کنار دبیر برای انتخاب فیلم‌ها قرار داشتند.

دبیر جشنواره درباره موضوعات مستندات حاضر در جشنواره بیان کرد: گوناگونی و رنگ آمیزی بسیار خوبی در ترکیب فیلم‌های مسابقه ملی و آوینی و بخش‌های دیگر جشنواره وجود دارد. امسال تفاوت بزرگی با سال‌های قبل داریم که تنوع مضمونی بسیار خوبی رخ داده است. در حوزه اجتماعی، خانواده، حیات وحش، چهره نگاری، مقاومت و پایداری، انقلاب اسلامی، جنگی، تاریخی، ورزشی و محیط زیست این تنوع در بخش‌های مختلف رخ داده است. مطالبه‌گری و از پا ننشستن را در فیلم‌های امسال خواهیم دید.

دبیر جشنواره سینما حقیقت حضور فیلمسازان جوان را در این جشنواره به فال نیک گرفت و گفت: جشنواره امسال متنوع و متکثر از چهره‌های جدید است. نوزایی محتوایی و دگرگونی ساختار و محتوا در فیلم‌ها رخ داده و کشف چهره‌های جدید در کنار فیلمسازان پیشکسوت و قدیمی در این دوره به چشم می‌خورد.

۱۸۳۹ فیلم متقاضی حضور در بخش بین الملل

حمیدی مقدم با اشاره به بخش بین‌الملل جشنواره افزود: یکهزار و ۸۳۹ فیلم از ۱۱۳ کشور جهان متقاضی حضور در بخش بین الملل بود. در این بین یکهزار و ۲۹۸ فیلم کوتاه و ۴۱۶ فیلم بلند داشتیم. این فیلم‌ها در بخش‌های ویژه‌ای حضور خواهند داشت. فیلم‌های پرتره و نمایش‌های ویژه در این بخش منتخب آثار جهانی هستند. به علاوه در بخش بین‌الملل جشنواره، بخش ویژه غزه را خواهیم داشت تا مهمترین فیلم‌های مستند درباره غزه به نمایش گذاشته شوند.

با توجه به ظرفیت آموزش آنلاین همچنین از اسفندماه کارگاه‌های آنلاین به صورت تئوری و عملی برگزار خواهد شد دبیر جشنواره افزود: یک نگاه تحلیلی در مستند بحران داریم و دو پنل ویژه در این باره خواهیم داشت. مهمانانی از کشورهای مختلف دنیا داریم و کارگاه‌هایی در نظر گرفته شده‌اند. مستندسازان ایرانی و خارجی کارگاه‌هایی را خواهند داشت. این کارگاه‌ها ضبط خواهد شد و در درگاه اینترنتی مرکز گسترش قرار خواهد گرفت.

وی اظهارداشت: با توجه به ظرفیت آموزش آنلاین همچنین از اسفندماه کارگاه‌های آنلاین به صورت تئوری و عملی برگزار خواهد شد. به علاوه کارگاه‌های ویژه‌ای درباره تجربه‌های شخصی اساتید و مستندهایی که ساختند خواهیم داشت.

حمیدی مقدم درباره مستندهای حیات وحش و توجه به آنها گفت: امسال شاهد رشد و بروز این نوع مستند در جشنواره خواهیم بود و دو سه فیلم قدرت‌مند در این

جشنواره خواهیم داشت.

تهیه‌کنندگان سینمای مستند انجام خواهد گرفتدبیر جشنواره سینما حقیقت درباره رزرو بلیط برای تماشای فیلم‌ها اظهارداشت: با توجه به سامانه سمفا همه می‌توانند تماشای فیلم را رزرو کنند. همچنین تلاش می‌کنیم که آرا تماشاگران به شکل صحیح و درست به سینما حقیقت برگردد.

دگرگونی در فیلم برای معرفی حیات وحش در جشنواره شکل گرفته است.

وی در این باره افزود: جایزه بهترین فیلم از نگاه تماشاگران با همراهی صنف تهیه‌کنندگان سینمای مستند انجام خواهد گرفت. باید یکی از صنوف این مساله را به عهده بگیرد تا به بهترین شکل ممکن آرا تماشاگران را دریافت کنیم.

دبیر هفدهمین جشنواره بین‌المللی «سینما حقیقت» به موضوع آب و جمعیت نیز اشاره کرد و گفت: پیش‌بینی می‌شد که تولید در این حوزه وجود نداشته باشد اما شاهد بودیم که اتفاقات خوبی رخ داده است. از این رو این موضوع را به صورت تحلیلی و محتوایی و جهشی در جشنواره خواهیم داشت و به صورت اهداف مهم حقیقت باقی خواهد ماند. اگر با این روند پیش برویم بخش‌های ویژه این دو بخش می‌توانند به عنوان ضمیمه بخش‌های ویژه جشنواره حضور داشته باشند.

حمیدی مقدم درباره اکران آنلاین فیلم‌ها در جشنواره بیان کرد: برگزاری جشنواره به صورت آنلاین یک اتفاق متناسب در زمان کرونا بود. جشنواره به حضور فیزیکی وابسته است و باعث می‌شود بحث‌های مکمل رقم بخورد. در آن زمان تهدید کرونا باعث شد که جشنواره سینما حقیقت پیش‌تاز حضور به صورت آنلاین باشد که این به جشنواره‌های دیگر هم سرایت پیدا کرد. یکی از اتفاقات خوب این بود که وقتی این فیلم‌ها به صورت آنلاین پخش شد و به حوزه‌های مردمی راه پیدا کرد نمایش آنها تا محل تصویربرداری سوژه‌ها رخنه پیدا کرد.

وی درباره نکوداشت‌های این دوره از جشنواره افزود: امسال سه بزرگداشت خواهیم داشت و جشنواره را با فیلم تاراز یکی از آثار مهم و ماندگار در سینمای مستند کشور آغاز خواهیم کرد. افتتاحیه با یاد فیلمبردار فقید این فیلم مرتضی پور صمدی صورت خواهد گرفت. به علاوه دیگر بزرگداشت‌ها به اصغر بختیاری و مهرداد ضابطیان تعلق خواهد گرفت.

تا نتوانیم وارد بازار جهانی شویم نمی‌توانیم فروش خوبی داشته باشیم و دیده شویموی افزود: از آنجایی که فروش باید با سرمایه‌گذار تناسب پیدا کند، هدف را فروش قرار داده‌ایم. فعلا که مستند فروش ندارد تا به یک بازار برسیم. امسال با توجه به درخواست فیلمسازان و با توجه به نیاز، برای فیلمسازی که تمایل به اکران آنلاین دارند، هزینه‌ای

حمیدی مقدم بیان کرد: آثار و پلان‌های دیده نشده از برخی از سینماهای مستند کشور را در افتتاحیه خواهیم دید. همچنین پذیرای بسیاری از دانشجویان و محصلان آکادمیک سینما هستیم، اتفاق بسیار خوبی که باعث شد مخاطبانی به ما اضافه شوند.

جایزه بهترین فیلم از نگاه تماشاگران با همراهی صنف



روست ارائه دهد. با این نگاه، تمرکز ویژه این دوره از جشنواره بر دو چالش ملی و بین‌المللی بحران آب و مساله جمعیت است.



برای کار تشویقی در نظر گرفتیم و خودمان به عنوان خریدار این رویه را پیش گرفتیم.

دبیر هفدهمین جشنواره بین‌المللی «سینما حقیقت» در ادامه فروش فیلم مستند را یکی از ملاک‌های مهم دیده شدن‌ها دانست و گفت: تا نتوانیم وارد بازار جهانی شویم نمی‌توانیم فروش خوبی داشته باشیم و دیده شویم. ما در ایران تولید می‌کنیم و خودمان مصرف می‌کنیم. در صورتیکه جریان سازی اصلی ما رخنه مستند در بازارهای دنیاست و اصلی‌ترین هدف ماست که به صورت عملی در خواهد آمد.

امسال و در هفدهمین جشنواره «سینماحقیقت» علاوه بر پردیس چارسو که خانه جشنواره است، آثار جشنواره در «موزه سینما» روی پرده خواهند رفت.

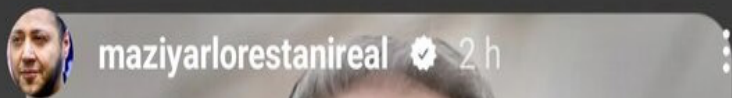
این انتخاب به دلیل گسترش مخاطبان سینمای مستند و ایجاد دسترسی و امکانات بیشتر برای علاقه‌مندان، انجام شده است. شرایط حضور در این سینما به زودی اطلاع رسانی خواهد شد. این سینما، سینمای مردمی هفدهمین جشنواره «سینماحقیقت» است.



هفدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران «سینماحقیقت» در بخش‌های مسابقه ملی، مسابقه بین‌الملل، جایزه شهیدآوینی، بخش‌های جنبی ملی و بین‌الملل و بزرگداشت برگزار می‌شود.

جشنواره در این دوره می‌کوشد ضمن بازنمایی تاریخ و فرهنگ جامعه ایرانی اسلامی، تصویری واقعی از آنچه بشر امروز در عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی با آن روبه

واکنش هنرمندان به درگذشت پروانه معصومی + عکس



بازگشت همه به سوی اوست

هنوز دست به گریبان بُهت از دست دادن بانو بیتا فرهی عزیز بودیم و با او وداع نکرده بودیم که خبر ناگوار و ناخوشایند درگذشت بانوی پیشکسوت هنر بازیگری، سرکار خانم

پروانه معصومی

داغی تازه بر دل هایمان نشاند.

انجمن صنفی بازیگران سینما این سوگِ بزرگ را به خانواده محترم ایشان، همکاران گرامی و هموطنان عزیز تسلیت عرض می‌نماید.

همچنین زمان و مکان مراسم تشییع و ختم این هنرمند گرامی متعاقبا به اطلاع خواهد رسید.



dariushfarziaee 4 h

See translation

پروانه ای معصوم و دوست داشتنی
روحتون شاد بانوی مهربانی..



dariushfarziaee



dariushfarziaee dariushfarziaee#amoooorang



elhampavehnejad 2 h

See translation

ی داد از این خزان... 🕊️



@parcinema

#پروانه_معصومی



amin.hayai 2 h

See translation



تسلیت به جامعه هنری و خانواده محترم معصومی 🕊️🙏



hamidgoodarzi 2 h

See translation

روحش شاد یادش گرامی



CINEMA DAILY ۱۳۲۳-۱۴۰۲

پروانه معصومی



hengamehghaziani 2 h

See translation



@banifilmdaily

روحتان رها خانم پروانه معصومی
شمارا با آثار مهم
بهرام بیضایی
میشناسم
پروازتون آرام 🕊️



pejmanbazeghi_official 45 m



بازگشت همه به سوی اوست
@anjomanbazigaran

هنوز دست به گریبان تهمت از دست دادن بانو بیتا فرهی عزیز بودیم و با او وداع نکرده بودیم که خبر ناگوار و ناخوشایند درگذشت بانوی پیشکسوت هنر بازیگری، سرکار خانم **پروانه معصومی** داغی تازه بر دل هایمان نشاند. انجمن صنفی بازیگران سینما این سوگ بزرگ را به خانواده محترم ایشان، همکاران گرامی و هموطنان عزیز تسلیت عرض می‌نماید. همچنین زمان و مکان مراسم تشییع و ختم این هنرمند گرامی متعاقبا به اطلاع خواهد رسید.



laleheskandari 4 m
See translation

خبرهای بد امانان نمی دهد....



بازگشت همه به سوی اوست

هنوز دست به گریبان تهمت از دست دادن بانو بیتا فرهی عزیز بودیم و با او وداع نکرده بودیم که خبر ناگوار و ناخوشایند درگذشت بانوی پیشکسوت هنر بازیگری، سرکار خانم **پروانه معصومی** داغی تازه بر دل هایمان نشاند. انجمن صنفی بازیگران سینما این سوگ بزرگ را به خانواده محترم ایشان، همکاران گرامی و هموطنان عزیز تسلیت عرض می‌نماید. همچنین زمان و مکان مراسم تشییع و ختم این هنرمند گرامی متعاقبا به اطلاع خواهد رسید.



@anjomanbazigaran



mohsen.tanabandeh 2 h



ParCinema

@parcinema



shohreh_soltani 9 m
See translation

هر روز تلخ تر از دیروز 🥲



پروانه معصومی

۱۴۰۲ - ۱۳۲۳

@cinemanovin

#پروانه_معصومی

#پروانه_معصومی
روحش شاد و یادش جاودانه



@parcinema

@rezaghavampourart



@rezaghavampourart

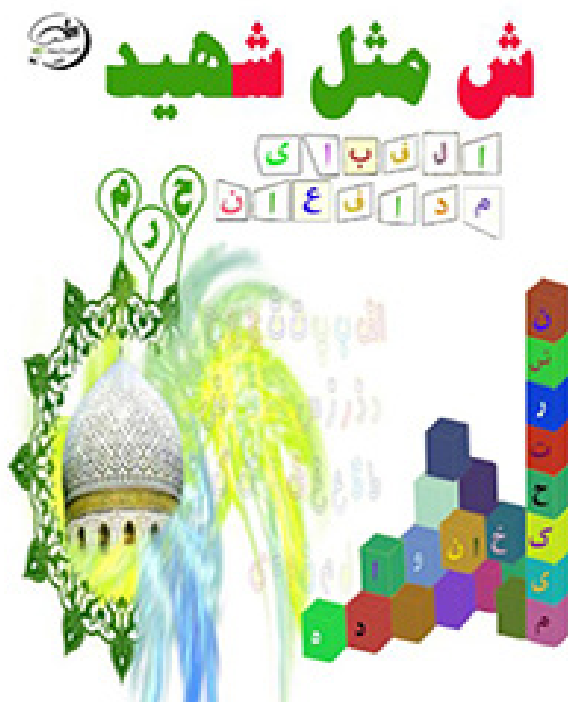
cinema_honar



cinema_honar .
پروانه معصومی درگذشت...

کتابهای انتشارات تحکیم خانواده

وابسته به انجمن تعلیم و تربیت اسلامی یار متخصص شما دارای واحدهای مستقل در تولید کتاب و بازی و سرگرمی، واحد کودک-خردسال، واحد نوجوان و جوان، واحد دانشگاهی، واحد ترجمه و بین المللی است. انتشارات تحکیم خانواده مدعی حلقه ی واصل دانشگاه و خانواده هستیم. ما را با آرم و نشان «توتایار» که مخفف انجمن تعلیم و تربیت اسلامی یار متخصص شماست، بشناسید. بازی ها و سرگرمی هایی مطابق با فرهنگ اسلامی ایرانی و تولید محتوا در این راستا هدف ما در انتشارات تحکیم خانواده است.



نقاشی حسن روح الامین به نام مضطر



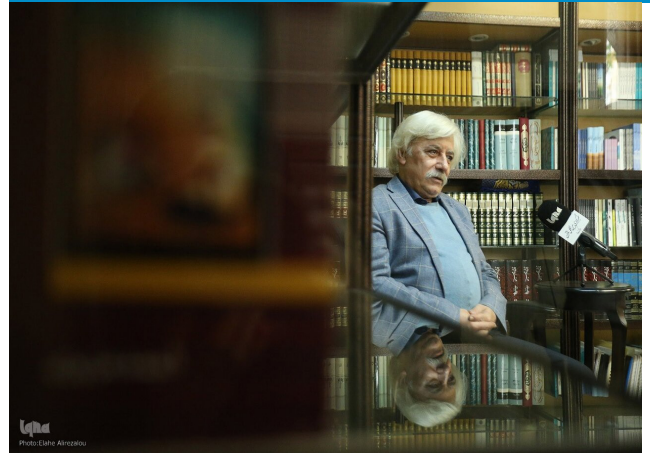
اثر جدید حسن روح‌الامین نقاش جوان آئینی که تابلوهای درخشان و پرآوازه‌ای کشیده است در هیئت رأیت‌العباس چیذر رونمایی شد و مردم به شکل حضور در یک هیئت عزاداری در این مراسم حاضر شدند و در میانه نوحه‌خوانی محمود کریمی از این تابلو رونمایی شد.

این رویداد برای اولین بار تلفیق یک مراسم مذهبی و مراسم رونمایی از یک اثر هنری به حساب می‌آید.

اثر جدید روح‌الامین که روایتگر دقایق پایانی عمر امام حسین (ع) و حرکت دشمنان به سمت خیمه‌های خانواده آن حضرت است «مضطر» نام دارد.

روح‌الامین در این خصوص گفت: نام این تابلو را هم مانند ۸۰ درصد از آثار بنده حاج محمود کریمی انتخاب کرده است. این اثر چون از هیئت برآمده حالا به زادگاه خودش برگشته است. امیدوارم این نوع رونمایی یک پدیده مثبت باشد و جای خودش را بین کسانی که از این جنس کارها انجام می‌دهند باز کند.

سیدمهدی شجاعی: همه آثارم تحت برکت و شعاع وجود «کشتی پهلو گرفته» خلق شد



سال ۱۳۳۹ در خانواده‌ای مذهبی در تهران به دنیا آمد، پس از کسب دیپلم ریاضی، در رشته کارگردانی تأثر وارد دانشگاه تهران شد، هنوز کارشناسی این رشته و رشته علوم سیاسی را که به طور همزمان دنبال می‌کرد، تمام نکرده بود که با شوقی نامکشوف و چشمانی روشن به آینده، راه داستان‌نویسی را برگزید، حسابش را با تأثر از سوئی و با سیاست از دیگر سو جدا و انصراف از ادامه تحصیل را تسلیم دانشگاه کرد.

سالگی را تمام نکرده بود که در مطبوعات آثار خواندنی ۲۰ از او منتشر شد. هشت سال مسئول صفحات فرهنگی و هنری روزنامه جمهوری اسلامی بود، سردبیری ماهنامه صحیفه و همچنین سردبیری مجله رشد جوان، چاپ بیش از ۳۰۰ عنوان کتاب در انتشارات برگ و... از جمله فعالیت‌هایی بود که در مقام روزنامه‌نگار، نویسنده و مدیر هنری در همان سنین جوانی دنبال کرد.

سال ۱۳۶۸ داستانی با عنوان «کشتی پهلو گرفته» در بازار کتاب ایران آفتابی شد. شاید زیاده نباشد اگر بگوییم این آفتاب تمام یخبندان‌های سخت نویسندگی پیش از

خود در حوزه ادبیات دینی را در کوتاه‌ترین زمان ممکن به قطره آبی بدل کرد و قصه آن شد که نویسنده جوانش، با آن سیمای روشن، محجوب و آن متانت همواره‌اش به یکی از نامی‌ترین نویسندگان ایران تبدیل شد. زمانی از نشر کتاب نگذشته بود و این کتاب که قبل از تولد کاغذی‌اش از سوی برخی دچار مشکلاتی برای چاپ بود و آن برخی تا پیشنهاد خمیر شدن کتاب هم پیش رفته بودند، عنوان پرفروش‌ترین کتاب ایرانی را در سال‌های متوالی از آن خود کرد، به چاپ‌های متعدد رسید و این تجدیدچاپ تا امروز و پس از ۳۴ سال از چاپ نخستینش به عدد ۵۹ نیز رسیده است و نویسنده‌اش عنوان پرمخاطب‌ترین نویسنده ایرانی را نصیب خود کرد.

با حذف بسی دیگر مقدمات باید گفت سخن از «سیدمهدی شجاعی» با عمری پر برکت، تلاش صادقانه و عاشقانه در امر نویسندگی و نشر آثار گرانبه‌ای دینی و اخلاقی کار ساده‌ای نیست؛ این را متأثرین از قلم و از آن بالاتر خلق حسنه او می‌دانند. تواضع عیانش آموخته مکتب بزرگان است و به تعبیر خودش روزی معنوی اوست.

گفت‌وگو با او که یکی از تأثیرگذارترین و دغدغه‌مندترین نویسندگان ایرانی است و تاکنون بیش از ۱۰۰ عنوان کتاب را در مقام نویسنده و مترجم به جامعه فرهنگی ایران تقدیم کرده است، نیازمند بهانه و انگیزه نیست، با این وجود ایام سالروز شهادت حضرت فاطمه زهرا(س) را انگیزه گفت‌وگو با او که خالق یکی از بی‌نظیرترین داستان‌های فاطمی است، دانستیم و با او هم‌سخن شدیم. شجاعی در این گفت‌وگو از برکات این اثر در زندگی حرفه‌ای خود، آثار آن در جامعه مذهبی و غیرمذهبی، سنگ بنایی که این داستان برای نوشتن درباره بزرگان دینی گذاشت و ... سخنانی را مطرح کرده است که در ادامه با هم می‌خوانیم و می‌بینیم:

ندانسته‌هایم و آنچه نمی‌دانم بیشتر است و مجهول قدرها مفهوم عمیقی است که برای کسی این دریافت حاصل نمی‌شود و انگار بنا هم نیست که این اتفاق بیفتد.

به لحاظ زمانی نقطه توجّهتان به این اقیانوس کی بود؟ نمی‌توانم تاریخ دقیق ارائه دهم؛ به نظرم حوالی یکی دو سال قبل از چاپ کتاب بود.

انتخاب نام اثر چگونه بود؟

دست من نبود، خودشان این نام را مرحمت کردند. داستان نوشتن برای اهل بیت (ع) اینگونه نیست که به اراده انسان خیلی وابسته باشد. ما فقط باید مقداری سفره را پهن کنیم؛ باقی اتفاقات از سوی صاحب کار به ما می‌رسد. درباره کار برای ائمه (ع) هیچ وقت نمی‌گویم کار من است. گاهی وقفه‌ای در کار انداخته‌ام و ۱۵ ماه این وقفه طول کشیده و ایشان نیامدند و کلمه‌ای اضافه نشده است. اصل توفیق از آن طرف است و ما منت دار آنها نیستیم. برای این توفیقات.

زمان نوشتن چه حس و حالی داشتید؟

قبل از اینکه دیگران بخواهند از این آثار بهره‌ای ببرند نصیب خود من می‌شود. بعد از انتشار می‌نشینم و این کارها را بارها می‌خوانم، انگار که کتاب نویسنده دیگری است. همان احساسی که در خواندن به مخاطب دست می‌دهد به من هنگام نوشتن دست می‌داد. با خیلی از دوستان ارتباط داشتم که حتی مذهبی نبوده‌اند اما با این شخصیت ارتباط گرفته‌اند. به خانمی برخوردی که اصلاً ظاهر مذهبی نداشت اما می‌گفت این کتاب سر سجاده‌اش

ز آنجا که محور گفت‌وگو حضرت زهرا(س) و اثر ارزشمندتان برای حضرت است، بفرمایید برای سیدمهدی شجاعی «فاطمه(س)» از کجا شروع می‌شود؟

سؤال بسیار سختی است، (معمولاً گفت‌وگو را از سؤالات ساده شروع می‌کنند تا به پرسش‌های سخت‌تر برسند). من در خانواده‌ای مذهبی بزرگ شده‌ام و با این اسامی و شخصیت‌های بزرگ از کودکی و به برکت خانواده آشنایی داشته‌ام، ولی زمانی مقداری غور بیشتری در شخصیت حضرت زهرا(س) داشتم و هرچه جلوتر رفتم، احساس کردم که ایشان دارای شخصیتی منحصر به فرد در عالم هستی است و گویی کسی حواسش به این موضوع نیست که ایشان دارای خلقتی فوق‌العاده و جایگاه ویژه‌ای نزد خداست. هرچه در این اقیانوس بیکران پیش می‌رفتم با مواردی مواجه می‌شدم که برایم بسیار غریب بود. رسیدم به نقطه‌ای و مقاله‌ای ادبی با عنوان «حضرت زهرا(س) بهانه آفرینش و خلقت» و مبتنی بر حدیث؛ «یا أَحْمَدُ! لَوْلَا لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ، وَ لَوْلَا عَلِي لَمَا خَلَقْتُكَ، وَ لَوْلَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمَا» نوشتم.

در نوشتن «کشتی پهلو گرفته» و همچنین آثار دیگر مذهبی اینگونه بود، من با یک اقیانوسی مواجه شدم که عظمت آن در کوزه نمی‌گنجید. من یک کوزه از آن اقیانوس می‌آورم و تا پیاله پیاله به خلاق برسد، خیلی تنزل پیدا می‌کند و تازه بخشی از حقیقت است که آدم می‌بیند و قطعاً همه آن نیست. تألیفات برای ائمه (ع) از این جنس است که دوست دارم دیگران را در لذت آنچه کشف کرده‌ام، شریک کنم و سعی می‌کنم این حقیقتی را که دریافته‌ام تا آنجا که ممکن است به دیگران هم برسانم.

پس آغاز قصه «کشتی پهلو گرفته» اینگونه رقم خورد و هرچه جلوتر رفتم احساس کردم دانسته‌هایم درباره شخصیت بی‌بدیل فاطمه زهرا(س) خیلی کمتر از

است. مفاهیمی که در مناجات‌ها و دعا‌های اهل بیت(ع) است و اگر مردم با این مفاهیم و ادبیات امروزی آشنا شوند، اسباب رشد و اعتلای معنویشان هم به نوعی فراهم است. در این مورد هم باورم بر این بود که اگر ما تکنیکی یاد گرفته‌ایم باید همه توان و تلاشمان را خرج کنیم برای اینکه آن مفاهیم را با ادبیات امروزی به مردم منتقل کنیم و هر قدر که گذشت، سعی کردم نوآوری و بدعت‌های جدیدی را در این فضا پدید آورم.

اصولاً سبک‌ها و آثار ادبی خشت‌هایی است که بر خشت‌های قبلی گذاشته می‌شوند، تجربیاتی در این باره وجود داشت و می‌خواستم قدمی به جلوتر بردارم. ضمن اینکه نمی‌خواستم محدود و منحصر به قالب‌های کلاسیک باشم، همان موقع برخی گفتند جای خطبه یا سخنرانی در رمان نیست و تعبیر من این بود که من نوکر رمان نیستم و نوکر مفهومم. لطف خدا سبب شد، همین ایده به یک سبک نوشتن بدل شد و مختصات خود را پیدا کرد، حالا با این مختصات باید آن را سنجید. این کتاب یک شیوه نوشتن است و «سقای آب و ادب» یک شیوه دیگر داستانی است و یا «آفتاب در حجاب» به نوع دیگری نوشته شد. کار آخرم که درباره حضرت سجاد(ع) است به نوع دیگری با همه آثار قبلی متفاوت است. به هر روی نویسنده باید تمام تلاش خود را به کار بندد و آنچه در بضاعت دارد را برای انتقال مفاهیم اساسی و اخلاقی خرج کند. این اتفاق طبعاً در قالب هنر و ادب به ماندگاری می‌رسد و ارتباط بیشتری با جامعه برقرار می‌کند.

آیا در زمان تحقیق، قالب را انتخاب کردید؟

نه، من قائل به تفکیک قالب و محتوا نیستم؛ کل کار با هم متولد شد.

مردم به حضرت زهرا(س) بوده است. البته تا قبل از کشتی پهلو گرفته ادبیات دیگری در داستان‌های مذهبی داشتیم و مردم خیلی با آن ادبیات ارتباط برقرار نکرده بودند. شاید با این کتاب آشنا شده‌اند و این ارادت بروز پیدا کرده است.

ما آثار خاصی از برخی نویسندگان داریم که در کارنامه آنها متفاوت است و قابل تکرار نیست. می‌توانیم بگوییم که این کار در کارنامه سیدمهدی شجاعی همین‌طور است؟

خلق اثر - چه کار مذهبی و چه غیرمذهبی - از بالا الهام می‌شود، چه من قبول داشته باشم و چه نداشته باشم، چه مسلمان باشم و چه بودایی، اثر هنری الهام از بالاست. مثل همه عالم که از دست خداوند روزی می‌خورند اما خدا را هم نمی‌شناسند. این هم یک روزی معنوی است و با هر تفکری این موهبت از بالا می‌آید. در مرور کتاب «کشتی پهلو گرفته» منشأ زایش آثار بعدی‌ام به طور تمام، این اثر بود. یعنی برکت همه اتفاقات بعدی تألیفی‌ام از این اثر آغاز شد و این کتاب برای من مبدأ شد. این موضوع برای من خیلی مهم است که همان‌طور که فاطمه زهرا(س) والده کل ائمه معصومین(ع) هستند، برای خلق آثار من هم این اثر قدر خیر و برکت داشت که می‌توان گفت باقی آثارم شعاع‌هایی از وجود این اثرند.

اگر کسی اهل مطالعات مذهبی و ادبیات آن باشد طبعاً به این اثر نمره قابل قبول خواهد داد به‌خصوص در فرم که امتیاز این اثر است. چه شد که به این فرم رسیدید؟

مشکل همین بود، فکر می‌کردم این مفاهیم باید به زبان روز ارائه شود و برای آن بسیار وقت گذاشتم و همچنان که ملاحظه فرمودید در بخش دعا و مناجات هم اعمال شده

آیا ویرایش داشتید؟

نه، من ویرایش به شکل بازنویسی ندارم. البته اثر را به دوستان اهل فضل و نظر می‌دهم و برخی موارد را ادیت می‌کنم. چند سال پیش در کتاب «سقای آب و ادب» این اتفاق افتاد و آنچه را نوشته بودم، نپسندیدم و کنار گذاشتم. تا چند سال بعد که اتفاقات دیگری افتاد و بابی باز شد. چون فصل - فصل آن کتاب اسم مجزایی دارد، مثل عباس ادب، عباس زینب، عباس حسین و عباس عباس. «عباس فرشتگان» آن چیزی بود که باعث شد، حس کنم می‌توانم این اثر را ارائه کنم و فرشتگان برای این آمدند که احساس کردند نویسنده نمی‌تواند بنویسد و به کمک او شتافتند. به نظرم باب «عباس فرشتگان» در آن کتاب باب اصلی است.

یک نکته درباره خلق آثار هنری وجود دارد؛ به هنرمند با هر تفکری که دارد الهاماتی می‌شود. شنیدم آیت‌الله جوادی آملی به استاد فرشچیان گفته بودند؛ برزخ را نقاشی کنید تا ببینیم برزخ چه شکلی است. با این وصف معلوم می‌شود که در مطالعات فلسفی و به اصطلاح کلامی ایم. یعنی بعضی از به تصویر روشنی از برزخ نرسیده موهبت‌ها نصیب علما و اندیشمندان نمی‌شود و مختص هنرمندان است. ظرفش اینجاست تا بقیه بتوانند از این مسیر توشه‌ای بردارند.

بحثمان در قالب بود. مطمئنید که به بهترین قالب رسیده‌اید؟

قالب «کشتی پهلو گرفته» برای آن دوره بود. قطعاً همیشه این حس درباره قالب، محتوا و مفاهیم وجود دارد که در گذر زمان ممکن است شیوه‌های بیان مناسب‌تری به نظرمان برسد. به نظرم آن تولد برای زمان خاص آن اثر بود. همین حالا دوستان دیگری قطعاً کارهای بهتری از آن کار می‌توانند خلق کنند. اگر الان بخواهم آن موضوع را بنویسم قطعاً کاری دیگری خلق می‌شود؛ چراکه افق‌ها

تغییر کرده است. قصد دارم اگر توفیق دست دهد بعد از حضرت سجاد(ع) اثری درباره حضرت امیر(ع) را آغاز کنم و احساس می‌کنم الان نوشتنم با سه سال پیش درباره حضرت علی(ع) خیلی متفاوت است چه از حیث قالب و چه محتوا.

رعد و برق

سهیلا سادات حسینی: سریال مستندگونه ی رعد و برق به نویسندگی و کارگردانی بهروز افخمی و تهیه کنندگی داوود هاشمی روایتگر سیل ۱۳۹۸ بود. سیلی که بیست و شش استان کشور را درگیر خود کرد، به دو میلیون نفر به طور مستقیم آسیب رساند و چهار میلیارد دلار خسارت به کشور وارد نمود. بیان حادثه ای تلخ و سهمگین که با نوشتاری طنز و دلنشین به خوبی تلطیف شده بود. طنزی هنرمندانه که به سختی می‌توان کاری نزدیک به آن را در میان آثار کمدی پیدا کرد. ضمن آنکه با گفتن «بچه های عزیز» توانست بسیاری از حرف های ناگفته را با کمترین حاشیه ابراز نماید. اثری کاملاً ادبی به دور از هجویات کمدی های امروزی با تیتراژ ابتدایی بی نظیر، که حوادث مهم سال ۱۳۹۷ را هنرمندانه مرور کرد. اگر ریتم خرده روایت های آن با انسجام و ارتباط واضح تری به تصویر در می‌آمدند. می‌توانست مخاطبان بیشتری را با خود همراه نماید. ضمن آنکه انتظار می‌رفت؛ مانند سایر سریال‌ها از یک هفته قبل در تمام شبکه های سیما اطلاع رسانی و تبلیغ شود. هنوز پاسخی برای این پرسش وجود ندارد که بر چه مبنایی برای برخی سریال‌ها تبلیغات گسترده و گوناگون صورت می‌گیرد و بعضی از این امکانات محروم می‌مانند؟

هبوط سریال سازی تلویزیون

سهیلا سادات حسینی: این روزها وقتی مدیران صدا و سیما می گویند. بیش از شصت سریال در دست تهیه دارند. آرزو می کنی به یک دهم از نوع مخاطب پسندش کاهش می یافت. زیرا اعتبار این سازمان در گرو میزان مخاطبش است نه میزان سریالش. بنابراین ذائقه شناسی حرف اول را می زند تا بر آن اساس بتواند علاوه بر بقاء، رسالتش را نیز محقق سازد. وقتی پس از پخش سریال ها کارگردان ها از کاری که نتوانسته مخاطب درخوری را با خود همراه کند. احساس رضایت می کنند. متوجه می شوی که رقابت بر سر قهرمانی نیست؛ بلکه هدف صرفاً باقی ماندن در لیگ است. مثل تیم فوتبالی که بازی را ده بر صفر باخته، اما مربی اش می گوید. بازیکنانم خیلی خوب بازی کردند با تمام توانشان در زمین ظاهر گشته و هر آنچه گفته بودم را پیاده کردند. گویا اینجا نتیجه هیچ معنایی ندارد. این امر نشان می دهد که کارگردانان و نویسندگان در شناخت ذائقه ی مخاطبانشان سردرگم گشته اند.

سردرگمی ای رضایت بخش، که مرگ بهبود روند سریال سازی را هشدار می دهد. زمانی که سریال هایی چون گیل دخت، آب و آتش، مستوران، وضعیت زرد، رحیل، طعم طمع، محرمانه و... به عنوان کارهایی موفق و شاخص معرفی می گردند. به نظر می رسد که بایستی برخی مفاهیم را متذکر شد. سریال خوب، آن است که با داشتن روایتی پر محتوا و عواملی فنی، مخاطبانش را به خود جذب نماید. به طوریکه با علاقه و اشتیاق پیگیر ماجراهایش باشند و بتوانند با بازیگرانش ارتباط برقرار کرده و همزادپنداری کنند و حتی تکه کلام هایی از آن را استفاده نموده و در برخی محافل موضوع صحبتشان گردد. در نتیجه سایر برنامه های زندگی شان را با آن هماهنگ کنند تا مبدا حتی یک قسمت را از دست بدهند.





تا مبادا حتی یک قسمت را از دست بدهند.

وقتی این ها را بعلاوه کنیم با برنامه ریزی بسیار نامنظم شبکه ها که هر روز به بهانه ای یا سریال را پخش نمی کنند یا به خاطر برنامه ی دیگری که از نظرشان مهم تر است. آن را به تعویق می اندازند. معلوم است چه بر سر سریال های تلویزیونی و مخاطبانی که دیده نمی شوند می آید. امید است دست اندرکاران امر بیدار شده و با دلسوزی و تخصص به این هبوط پایان دهند.

@totayar.ir اینستاگرام @sayes_man

@totayar سروش و اینتا و آی گپ

تلفن: ۷۷۸۴۹۸۴۹

www.totayar.ir

www.sayesman.ir

کارگردان: محمود صالحی | نویسنده: سعید رحمانی
 تهیه کننده: سعید رحمانی و امین موسوی ملنگی

تلف: اسکندر ری، فرهاد نوری، نسیم آهلی، فاطمه گوردیز، سعید صالحی، سعید صالحی
 ارج لواری، رحیم لوروزی، رضا لواری، روح میرحسین، کشته امین صالحی
 فریبا صالحی، امیرمحمد زاهد، فرهاد صالحی، احسان امین و ...



«بانوی آب» از زندگی حضرت زهرا (س) می‌گوید / جزئیات یک پوئم سمفونی

صفی صفوی آهنگساز پوئم سمفونی «بانوی آب» که قرار است طی روزهای پیش رو همزمان با فرا رسیدن ایام فاطمیه توسط ارکستر ملی ایران روی صحنه برود، در گفت‌وگو با خبرنگار مهر ضمن ارائه توضیحاتی درباره جزئیات این پروژه موسیقایی بیان کرد: نقطه شکل‌گیری پوئم سمفونی «بانوی آب» به پیشنهاد حسین قنبری تهیه‌کننده پروژه در سال ۱۳۹۰ بود که از زمان پیشنهاد تا نگارش و تولید آن بیش از یک سال زمان صرف شد.

وی افزود: البته من تا زمان طراحی و شناخت پروژه کارهای ارکسترال کرده بودم اما تجربه سمفونی نداشتم که خوشبختانه در این کار به واسطه همراهی دست اندرکاران پروژه، موفق به ساخت یک پوئم سمفونی شدم که معتقدم کار خاصی است و من به ساخت آن افتخار می‌کنم. شرایطی که خوشبختانه باعث شد که بتوانم دوباره شاهد اجرای آن در تالار وحدت با هنرنمایی نوازندگان ارکستر ملی به رهبری همایون رحیمیان باشم.

این آهنگساز در ادامه یادآور شد: تمام آنچه برای این پروژه انجام دادم، بنا به اعتقاد قلبی و ارادتی بوده که همواره به پیشگاه گرامی حضرت زهرا (س) داشته، دارم و خواهم داشت. بنابراین قاطعانه می‌گویم آنچه انجام گرفته به واسطه پیشنهادی بوده است که برای انجام آن افتخار می‌کنم و امیدوارم شرایط به گونه‌ای رقم بخورد که مخاطبان از کنسرت پیش روی ارکستر ملی ایران راضی باشند. در این راستا حسین قنبری تهیه‌کننده پروژه،

امیرفرشید رحیمیان رهبر ارکستر و ناظر ضبط پروژه تولید شده، همایوم رحیمیان رهبر ارکستر ملی ایران و نوازندگان این مجموعه نهایت تشکر را دارم که همکاری مهربانانه‌ای برای اجرای پروژه انجام دادند.

صفوی در معرفی قطعات پروژه «بانوی آب» هم توضیح داد: «پیشکش» با شعر محسن سلیمانی، «عطر یاس» با شعر عبدالجبار کاکایی، «فاتح دلها» با شعر عبدالجبار کاکایی، «مهر و ماه» با شعر عبدالجبار کاکایی، «پدرجان» برگرفته از کتاب «کشتی پهلو گرفته» اثر سید مهدی شجاعی، «شب دلتنگی» با شعر عبدالجبار کاکایی، «این همه تنهایی» با شعر سید مهدی شجاعی و «آسمانی» با شعر عبدالجبار کاکایی قطعاتی هستند که در این آلبوم گنجانده شده‌اند.

وی درباره دیگر جزئیات پروژه که سال ۱۳۹۱ رونمایی شده بود، اظهار کرد: در بخش تولد حضرت از ساز عود در کنار ارکستر زهی استفاده کرده‌ایم. ضمن اینکه فلوت و فاگوت نقش مهمی در این بخش دارد. اما در روایت ازدواج حضرت فاطمه (س) از پیانو و ترومپت بهره برده‌ایم و در بخش وفات پیامبر اکرم (ص) نیز از ترکیب سازهای بادی با همراهی گروه کر استفاده کردیم. این در حالی بود که در بخش پایانی این آلبوم نیز با ساز رباب و عود فضا را طراحی کردیم که امیدوارم در کنسرت پیش رو با تنظیمات جدیدی که انجام گرفته بتواند مورد پسند مخاطبان قرار گیرد.

آموزه های من:

داستان نویسی شویم

امروز به بهانه چگونه یک داستان خوب بنویسیم؟ سخن را خواهیم گفت.

ابتدا بدانید که باید ایده های خلاقانه را همچون یک طوفان در فکر داشته باشید..

سپس توالی وقایع را دقیق مشخص کنید.

شخصیت های خود را طراحی کنید.

گروه بندی کنید یا بهتر بگوییم شخصیت های اصلی و فرعی داشته باشید.

درگیری و چالش هایی ایجاد کنید همراه با راه حل هایش تا شخصیت ها با آن روبرو شوند.

نقطه نظر را تعیین کنید. بدانید چه می خواهید بگویید تا مخاطب بیاموزد.

داستان های نویسندگان دیگر را بخوانید.

شخصیت های مرتبط ایجاد کنید تا به اصطلاح داستان شما کشش داشته باشد مخاطب را با خود بکشد.

خوانندگان را از ابتدای داستان با موضوع درگیر کنید.

توجه داشته باشید سه چیز اصلی که یک داستان خوب را می سازد، قلاب هایی که خواننده را درگیر میکند،

شخصیت هایی که از هر شکل جذاب هستند و صداهای موجود در داستان.

داستان خود را به گونه ای شروع کنید که خوانندگان شما را جذب کند و آنها را علاقه مند نگه دارد. مطمئن شوید

که شخصیت هایتان جذاب و جالب هستند و (اگر چه احتمالاً ناقص هستند) خوانندگان شما تا پایان آن ها را

ریشه یابی و پیگیری می کنند..

با این مقدمات باید بدانیم که داستان کوتاه چقدر است؟

میانگین یک داستان کوتاه باید بین ۱۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ کلمه باشد. اما می تواند بیش از ۱۰۰۰۰ کلمه نیز باشد

چنان که نمونه های زیادی از رمان ها وجود دارد که طولانی تر یا کوتاه تر از دستورالعمل های موجود هستند..

چگونه برای یک داستان برنامه ریزی کنید؟

رمان خود در نه مرحله برنامه ریزی کنید.

در دل رمان شما چه می گذرد؟

آیا در زمینه ی خاصی می نویسید یا برای نوع خاصی از

خواننده قلم می زنید؟

مبالغه های را تیتروار بنویسید.

شخصیت های خود را بشناسید.

رمان شما کجاست؟

حتما مطالعه و تحقیق کنید.

از خود بپرسید: چگونه داستان خود را ساختار خواهید

داد؟

طرح یک فصل را بنویسید.

نوشتن یک داستان کوتاه آسان تر از نوشتن یک رمان

نیست. در واقع، برخی از نویسندگان داستان کوتاه را

دشوارتر می دانند. اما کاوش و آزمایش در محدوده یک

داستان هفت صفحه ای به جای یک رمان دویست صفحه

ای می تواند برای نویسندگان جدیدتر قابل کنترل باشد.

فاطمه محمودی

@totayar.ir اینستاگرام @sayes_man

@totayar سروش و ایتا و آی گپ

تلفن: ۷۷۸۴۹۸۴۹

www.totayar.ir

www.sayesman.ir

لحظه ای با دکتر: مطالعه ی آرامش برای آسایش (۹)

اقدام جدید بکنید. آسپیزی مثال خوبی است. برای خودتان کاری بکنید.

قبل تر گفته شد که دیدن دنیا و فضای طبیعت مفید است. در اینجا توصیه می شود که اطلاعاتتان را در مورد عجایب دنیا زیاد کنید.

اتاق یا کمد و کشوی خود را مرتب کنید (ممکن است برای برخی مناسب نباشد، اما این نظم آرامش بخش است!)

یک دوست را به بازی دعوت کنید.

تمرین تنفس کنید. به مدت دو دقیقه نفس بکشید و روی نفس های خود تمرکز کنید.

دو دقیقه نفس خود را حبس کنید و به آرامی هر چه تمام تر خارج کنید.

به یک خلاقیت فکر کنید.

یک دقیقه برای کشش بدن خود وقت بگذارید.

در اتاقتان از یک شمع معطر استفاده کنید تا حس خوبی ایجاد کنید.

به عکس های خاطرات خوش خود نگاه کنید که به آن بهانه به آن عزیزان تماس بگیرید.

فکر کردن به چیزی که منتظرش هستید.

به یک چیز سرگرم کننده فکر کنید.

به مکان های مذهبی مانند مقبره ی امام زادگان بروید. دوچرخه سواری از آنجا که بسیار تنفس شما را هماهنگ می کند مفید است.

به پارک سر کوچه بروید فقط برای اینکه به آواز پرندگان گوش دهید.

به خود یادآوری کنید که می توانست بدتر از این باشید. محاسن خود را بشمارید.

بازی های رومیزی با خانواده خود انجام دهید.

کارهای بیرون را داخل منزل نیاورید.

با خودتان مهربان باشید. خودتان را دوست داشته باشید. روی گشاده داشته باشید و آن را همیشگی کنید. آدمی نشوید که با یک دیگ عسل هم نشود آن را خورد. به خودتان بپردازید و شناخت هایی که این فضا برای شما به ارمغان آورده است. حالا وقت مرحله ی بعد است. تصمیمی بگیرید که با نگاهی عبرت آموز داستان های کوتاه بنویسید.

با بهترین عزیزتان تماس بگیرید و به او ابراز محبت کنید. بعد از این تماس با یک غریبه صحبت کنید تا به تعادل عاطفی برسید.

کمی بخوابید. برخی در این مواقع به خوردن خودشان را مشغول می کنند که توصیه نمی شود. زیرا پرخوری عصبی عوارض زیادی دارد.

چیزی بخورید یا بنوشید که از آن لذت می برید. اما زیاد روی نشود.

به یک تغییر عادت خوب بیاندیشید که بتواند با آن آرام شوید. مثل تغییر فضای خواب از روی تخت بر روی زمین یک تجربه کوتاه خوبی است.

به پیاده روی بعد وقت ناهار فکر کنید و بدان بپردازید. شعر بگویید، نثر بنویسد. مهم نیست زیبا باشد. بنویسید.

یک نوزاد را در آغوش بگیرید (در حالت ایده آل از نزدیکانی باشد که می شناسید - نوازش خواهرزاده یا برادرزاده برای کاهش استرس شگفت انگیز است).

بابت حضور عزیزان خدا را شکر و خدا را نیایش کنید.

جابجایی اثاثیه در خانه برای تغییر دکور بسیار آرامش بخش است.

برای یکی از عزیزان خود نامه بنویسید.

برنامه های متنوعی در تلویزیون تماشا کنید.

برای دویدن در پارک بیرون بروید.

داوطلب شدن در بهزیستی و کمیته امداد و شیرخوارگاه و خانه سالمندان یا پناهگاه بی خانمان های محلی، به

درک نگرانی های گسترده تر و عمیق تر کمک می کند.

سودوکو یا جدول کلمات متقاطع بازی کنید.

صبر را تمرین کنید.

چند مجله ی حوادث بخوانید.

به کلاس روانشناسی مراجعه کنید.

با کودکان وقت بگذرانید - آن ها واقعاً چیزهایی را در

چشم اندازه شما قرار می دهند، مانند وای عجب ابری

وجود دارد و چیزهای ساده ای دیگری که فضاها را برای

شما یادآوری می کنند که قبلاً شما این گونه بدان نگاه

نکرده بودید.

دوش آب سرد و بلافاصله آب گرم همزمان به تعداد سه

دفعه پشت سر هم فراموش نشود.

چشمانتان را ببینید و تصوراتی آروزهایتان را بکنید. برای

خودتان توضیح دهید کجای دنیا خواهید ایستاد.

از طریق نوازش برگ درخت، گلبرگ یک گل و یک

کودک، احساس خود را متعادل کنید.

تصور کنید در دوره ای متفاوت از زندگی می توانید، شاید

زمان جنگ یا قبل از اختراع ماشین ها و قطارها و زندگی

چقدر سخت تر خواهد بود.

آهنگ مورد علاقه تان را پخش کنید و با خواننده همراهی

کنید.

هر جا که فکر می کنید نیاز به تمیز کردن دارد شروع به

تمیز کردن کنید!

از افرادی که فاز منفی دارند، دوری کنید.

قرآن خواندن را به هیچ عنوان فراموش نکنید. ی

آرامش به هر قیمتی نمی آرزو. مراقب خودتان باشید.

کتابی با همین عنوان و کتابی بنام قرص های آرامش

چاپ شده است، مطالعه آن مفید است.

دل بسته نشوید نه به دنیا نه به خودتان تا راحت تر آرام

شوید. چون وقتی از دست بدهید آن موقع است که

می گویند اتفاقی نیفتاده است.

وابستگی درد شما را دو صدچندان کرده است. روانشناسان

درمانشان بر رفع وابستگی بنا می کنند. واقعیت ها را

می گویند تا از خود واقعیت دور نشوید. پس بیا خودت

همین را آغاز کن. عکس زیر را ببین این تو باید باشی.



خودت به حال خودت برس نگذار غرق شوی



Geopolitics of the region is changing; not in favor of the US but to the benefit of the Resistance



In the Name of God, the Compassionate, the Merciful

All praise is due to God, Lord of the Worlds, and peace and greetings be upon our Master, Muhammad, and his untainted, pure, immaculate Progeny, particularly the Remnant of God on earth.

You are very welcome here my dear brothers, sisters, and members of the Basij. I would also like to welcome the assemblies that have gathered in other cities and are listening to these words. We are seeing them on camera here too.

There is much to say about the Basij. In short, the Basij is a valuable legacy that Imam Khomeini left behind for the country. Imam Khomeini is the creator and founding father of the Basij. At the same time, he himself said, “I am proud to be a member of the Basij.” This shows the important status of the Basij. I will discuss a few points about what Imam Khomeini said regarding the Basij.

The first point is that the logic behind the Basij is to make the country as resistant as possible to threats and dangers. That is the logic behind it. Imam Khomeini (ra) with his foresight recognized that in order to make the country, the nation, and the Revolution invulnerable, there was an urgent need for an extensive, large, voluntary force, because the Revolution belongs to the people; the country belongs to the people. It is the people who can defend their country and their Revolution more than any other factor or element, provided that the path is put in front of them. Imam Khomeini was the one who determined this path, the Basij. This is the logic behind [the formation of] the Basij.

So, the purpose of the Basij is to maximize the country’s resistance against any form of danger or threat. This logic was the main factor behind the creation of the Basij. The same logic still exists today, and it is up to date. Even today, the presence of the Basij is necessary with all its existing details, which I will speak about briefly. [It is needed] for the comprehensive material and spiritual defense of our national identity, the security of the country, and the interests of the people. The Basij's 40 years or so of experience proves the correctness of this objective. It shows the accuracy of Imam Khomeini’s foresight and insight.

My dears! There was a time in this country that the presence of the Basij was crucial for the country. An example of this was during the Sacred Defense. If the Basij forces hadn’t existed at that time, the outcome of the Sacred Defense would definitely have been different from what took place. The story of the Sacred Defense is a magnificent representation of the authority of the people

in the form of the Basij in this country. There were other occasions too, but I do not wish to go into the details of those now.

The next point is that Imam Khomeini gave different descriptions of the Basij. I have chosen two of them to share with you. In one place, he said, “The Basij is a sincere army of God.” A sincere army of God! Pay attention to the words. In another place, Imam Khomeini said, “The Basij is a school of love.” Let’s put these two descriptions next to each other. “A sincere army of God” indicates that the Basij is a fighter. Armies are used for combat and war.

So, what does it mean to "be a fighter?" It means to have material and physical strength, to have mental resolve and courage, and to know the strategies and tactics of war. The Commander of the Faithful [Imam Ali (pbuh)] is an example of this. When facing Amr ibn Abd al-Wadd, he demonstrated his physical strength, his courage and fearlessness, and also the ploys he used during the battle. [For example], he told Amr ibn Abd al-Wadd, “You and I are the ones who are fighting. Who are these people whom you’ve brought with you?” And when Amr ibn Abd al-Wadd turned his head around [to look at whom Imam Ali (pbuh) was referring to], the Commander of the Faithful struck him [with his sword]. It was a war ploy. It was a war tactic. So "being a fighter" means having material, mental, and intellectual strength.

What is the meaning of “the sincere army of God?” It means that this magnificent, valuable reserve is not for personal empowerment. What are the world’s armies used for? What are they fighting for? The

Basij fights for the cause of God, and they do so with sincerity. This is purely for God. Therefore, this is the Basij’s way of fighting. It shows their display of power and how they are “stern [against the unbelievers]” (Quran 48:29).

On the other hand, it is “a school of love.” The Basij is in love. It has given its heart. However, this love is not an aimless, misdirected, lecherous love. This love is in the form of a school. It is oriented and organized. What does this mean? It means being in love with God, spirituality, people, and the [right] path. In the direction that it is moving, it moves with love. This is what is meant by “a school of love.” He [Imam Khomeini] did not say that “the Basij is in love.” He said, “the Basij is a school of love.” He teaches a love that is on a specific path.

Well, these descriptions were not rhetorical, nor were they merely ideas. Everyone saw that these things were real, both on the battlefield and in the field of love. We all saw what the Basij were doing. On the battlefield, tens of thousands of sincere and often anonymous Basiji fighters did great things. They played a pivotal role.

My dears! You do not remember the [Iran-Iraq] war, but writings about this period are published at times. Read them and see what they [the fighters] did, how they spent those years, what their intentions were when they joined, how determined they were when they took action, and how they went [to war]. They played a pivotal role. Of course, the Basij had peaks too. The peak of Basij is Soleimani, Sayyad Shirazi, Hemmat, Babaei, Shiroudi, Martyr Hamedani, and hundreds

of others like them. Not even one person like them can be seen in any of the congregations that have been formed by nations around the world. Their sincerity, forbearance, and courage [were unique].

It is the battlefield. Everyone saw this. Everyone noticed this. You could see the Basij's way of fighting during the Sacred Defense. Those who were there at that time saw this from up close. And they were also present in the fields that came after that. Now, you didn't witness the Sacred Defense, but you saw the Defenders of the Shrines. There have been other fields too where you have seen what the Basij does. When it comes to being kind, the public services of the Basij take place everywhere — in the field of construction, in the field of health, in places that have been struck by natural disasters, and in the field of science and research.

It is the anniversary of the martyrdom of Martyr Fakhrizadeh. He was a Basiji. The late Kazemi Ashtiani was a Basiji. In the field of science, these men transformed the boundaries of knowledge in the country. In the field of science and knowledge, some of these Basijis also went beyond the average international boundaries. Important work has been done in the field of clarification and insight [by Basijis]. So, what Imam Khomeini described as “a sincere army of God” and “a school of love,” its examples were clearly seen in practice and on the ground. We all saw it.

The Basij is more than an organization. It is a culture. It is a mindset. Therefore, anyone who has accepted this culture, anyone who has moved on this path and adopted this mindset, is a Basiji regardless of whether or not they are a member of this organization.

This includes a large number of Iranians, even though there may be no mention of them within the Basij organization.

What is this culture? The culture of the Basij is based on it being a voluntary organization, where people are committed and have a sense of responsibility. They are not indifferent to the country's current issues or to future issues. Being a revolutionary, appreciating the value of the Revolution, and realizing the meaning behind the Revolution are all parts of the Basiji culture. Abiding by the law, being disciplined, and not breaking norms are parts of the Basiji culture. This is the culture of the Basij. A Basiji might object to an issue, a reality, or an individual, and there is nothing wrong with that. But they do not break norms. As I have already mentioned before, they do not side with the enemy.

The Basiji culture means avoiding showing off. It means avoiding doing superficial activities that are merely a show. In the event that a Basiji does show something to others, it is something that is meaningful and factual. There is a meaning and a truth behind what is being displayed. A Basiji does not do something just to show off. They strive to do actual, real work. I don't know whether you paid attention to the report that the honorable Basij commander presented. There was a great deal of information in the things he said. They are true. They are real activities.

The Basiji culture involves having compassion for the weak, being stern when confronting an oppressor, and providing services to everyone, everyone. When there was a flood in the country, the Basiji walked in mud that was up to their knees in order to clean the flooded houses. They did not ask

the owner of those homes, “What is your name? What is your religion? What is your ethnicity? What is your political stance?” They did not ask such things. They went and provided services. It didn’t matter who those people were. These things are important.

The Basiji culture avoids arrogance and conceit. That is the culture of the Basij. Depending on the situation, people sometimes gain a certain position and reputation. It goes against the culture of the Basij to be arrogant, conceited, and to think we are superior when we see other people showing us respect, chanting slogans in our favor, pushing us to go forward, or praising us.

In the “Makarim al-Akhlaq Supplication” [on noble traits], Imam Sajjad (pbuh) teaches us, “Do not raise me even a single degree before the people without lowering me in my own sight” (Sahifa al-Sajjadiyyah, supplication no. 20). No matter how high you may rise among others, think of yourself as being small. Do not become arrogant.

It is far from the Basiji culture to think that everyone is indebted to us. It is not in the Basiji culture to feel that the Revolution, the country, the government, the people, our neighbors, our friends, and our acquaintances are all indebted to us and we don’t owe them anything. A Basiji doesn’t feel that others owe them anything. He/she believes that it is his/her duty to do things. A Basiji is duty oriented. They seek to fulfill their duties. A Basiji does not use organizational privileges for his/her own benefit. The privileges that the Basij organization grants its members is a trust given to them. A Basiji preserves this trust with all modesty. He/she is trustworthy.

These are lessons for us. When Imam Khomeini said, “I am proud to be a member of the Basij,” he had all of these characteristics. The characteristics just mentioned were embodied in him. He always felt he owed others, he always considered himself to be weak, and he always considered other people to be higher than himself. Imam Khomeini used to consider the young people who would come and kiss his hand and shed tears for him to be higher than himself. As far as I knew the Imam and judging by the things I had observed in him in person, his life wasn’t spent on serving himself, his title, his authority, or his leadership for even a moment.

The next point which is the fourth point and is very important is the way the Basij extends beyond nations and borders. This too can be found in the words of Imam Khomeini. When he was talking about the “international cores of resistance,” he was talking about the Basij. They are not our Basij. It’s their Basij, but the culture is the same. Those international cores of resistance have now been established. That is, you are seeing examples of them in our region. “Wait to see the final results, for what you see now is just the beginning” (poem recited from Anvari’s Divan). You can see that those resistance groups that Imam Khomeini had envisioned are now determining the fate of this region. The cores of resistance are determining the fate of our region, and an example of them is the Al-Aqsa Flood Operation, which I will speak about shortly.

A few years ago, during the events that were taking place in Lebanon, the US said they were pursuing building a New Middle East. “Middle East” refers to West Asia. The West, the Europeans, and their followers like to

measure everything in reference to Europe: What is close to Europe is the Near East, what is in the middle is the Middle East, and what is far from Europe is the Far East. That is, the measure is Europe [according to them].

This is one of the wrong things they have done, and others have followed in their footsteps and are using these terms too. [So, it is] West Asia. They said they wanted to draw up a new map for this region, which they called “the Middle East.” It was the “New Middle East.” That is, they wanted to design a new geopolitical map. What was it based on? It was based on fulfilling the needs and illegitimate interests of the US. However, what they wanted and sought did not take place. They wanted to destroy Hezbollah. This was one of their goals for their new map, eliminating Hezbollah.

After the 33-Day War, Hezbollah became ten times stronger. Now, I say ten times to be on the safe side, but they became much stronger than that. They [the US] wanted to swallow Iraq, but they failed. The story of Iraq is very strange. The US’s plan was to establish a US government in Iraq. They put an American general (Jay Garner) in charge. When they realized that things were not going ahead well with the US general, they put him aside and appointed an American civilian (Paul Bremer) to head Iraq. An American was to be the president or king of the country of Iraq!

When they realized that wouldn’t work, they assigned an Iraqi (Ghazi Mashal Ajil al-Yawar) who worked for them. That hasn’t worked either until today. Today, the cores of resistance in Iraq enter into the issue of Palestine, and the Iraqi government takes a

firm stand. So, what the Americans called the “New Middle East” is the exact opposite of what it is today. They wanted to devour Iraq all at once, but they couldn’t. It didn’t happen.

They wanted to take over Syria. They used their proxy agents such as DAESH and the Al-Nusrah Front to attack the Syrian government. For about ten years, they continuously used them, supported them, gave them money, and equipped them, but it didn’t work.

They failed. They failed completely in trying to create the “New Middle East” that they were seeking. One of the components of this [New] Middle East was to finalize the Palestinian issue in favor of the usurping regime so that nothing by the name of Palestine would be left at all. They also reneged on the treacherous “two-state” plan that they had previously approved. They couldn’t do it. It didn’t happen. Now, see how different the situation in Palestine is today compared to 20 years ago!

See what Palestine was like 20 years ago, and what it is like today. See what Hamas was like 20 years ago, and what it is like today. Yes, the region’s geopolitical map is undergoing a fundamental transformation, but not to the benefit of the US. It is to the benefit of the Resistance Front. Yes, West Asia’s geopolitical map has changed, but it has changed in favor of the Resistance. The Resistance has won. Imam Khomeini understood this correctly. He correctly had recognized what was happening. The cores of the Resistance have been able to change the direction of movement in their favor.

This new map has certain characteristics,

some of which I will tell you about. This new map that is gradually reigning over this region has a number of characteristics. Its first characteristic is de-Americanization. What is “de-Americanization?” It means the rejection of US hegemony in the region. It does not mean severing political ties with the US. We do not expect or imagine that the governments in the region will cut off political relations with the US. No, they have political and economic relations with everyone. They have relations with the US too. They have it, but the US’s hegemony is weakening day by day.

What the US wanted to achieve in certain countries — in terms of oil, weapons, and various relations — is gradually disappearing. Much of it has already disappeared, and it will continue to diminish even more. The US has been pursuing a policy for many years and that is the policy of dominating the region. The main means for establishing this policy was to support the Zionist regime and strengthen it as much as possible, empower it, and encourage other countries to establish relations with it.

Of course, this is an old policy. It goes back several decades. They intensified this policy one or two decades ago. They went after Afghanistan and Iraq and wanted to gain control of those countries by occupying them, but they failed. Today, the policy and orientation in this region is de-Americanization.

One of the clear signs [of the de-Americanization in the region] that is before our eyes today is the Al-Aqsa Flood Operation. Yes, the Al-Aqsa Flood Operation is against the Zionist regime, but this historic event is also an act of de-Americanization.

The Al-Aqsa Flood Operation was a historic event in the true sense of the word. It was able to change the table of US policies in the region and, God willing, if this flood continues, it will eliminate that table.

So, one of the characteristics of the changes that have taken place in the region’s geopolitical map is that de-Americanization has started. Some countries that were completely subject to US policy are now at odds with the US, as you can see and are hearing about, and this will continue.

Another characteristic is that the factitious and imposed dichotomies that they had created in the region have been thrown into disarray. The Arabs vs non-Arabs dichotomy, the Shia vs Sunni dichotomy, and the myth of the Shia Crescent — the danger of a spreading of the Shia in the region, which was something irrelevant that they had brought up — have all been thrown into disarray. Who helped the Palestinians the most prior to and during the Al-Aqsa Flood? The Shia did — the Lebanese Shia, the Iraqi Shia, the Arab Shia, and the non-Arab Shia. These dichotomies were thrown into disarray, and instead of these imposed dichotomies, a new dichotomy has come to prevail in the region: The dichotomy of “resistance vs submission.” This dichotomy is what’s important in the region today. What is the meaning of “resistance?” “Resistance” means refusing to submit to US coercion, greed, and interference. That is the meaning of resistance. Now some resist 100 percent, some 80 percent, and some 50 percent. The Resistance movement is an obvious movement in the region today. The opposite of this is “submission,” which means disgrace. It humiliates nations and governments.

Solving the Palestinian issue is another characteristic of the new map of our region. By God's grace, the Palestinian issue is moving toward being solved. What do we mean when we talk about "solving the Palestinian issue?" It means the establishment of Palestinian sovereignty in all the Palestinian lands. We have put forward our proposal, which involves a referendum for all Palestinians to vote on.

Of course, those who are the occupiers have no right, but the Palestinians themselves, whether they are in the Palestinian land or in countries neighboring Palestine, inside the camps or in other places, wherever they are — there are several million Palestinians — they can all give their opinion. [A referendum] is a suitable, acceptable, civilized logic for the administration of Palestine. Now some people will say, "Well, the Zionist regime will not accept and agree to what you are proposing." Yes, we know they will not agree to it, but that is not their choice to make. It is not up to them to decide. Sometimes a government or a country might not like something, but it is imposed on them. It doesn't have a choice.

If this issue is pursued, and God willing it will be, if the cores of Resistance seriously pursue what they are seeking with resolve and determination, this will happen. There is no doubt about this.

Therefore, solving the Palestinian issue is one of the characteristics that, God willing, the New West Asia will see. When some of the world's spokespersons talk about the Islamic Republic's opinions regarding the region, they deceitfully say, "Iran says that the Jews and the Zionists should be thrown into the sea." No, this was something that others

or some Arabs had stated previously. We never said that. We don't throw anyone into the sea. We say let the [Palestinian] people decide. The government that is established by the votes of the Palestinian people will decide about the people who are there and about the people who migrated there from other countries. They may tell them that they can all stay in Palestine.

There were a few African countries that I visited when I was president. When the British were ruling those countries, they [the Africans] fought against them and were victorious. The natives succeeded in defeating the British, but they still kept those same Britons in their country. They thought it was the right thing to do, so they kept them there. These [Palestinians] may also decide to let them stay. Or they may say, "No, some people should leave," or "Everyone should leave." It's their choice. We never give an opinion on this matter. So this was regarding that issue.

I would like to say a few words about the Al-Aqsa Flood. This important, unparalleled event brought the goals closer. It shortened the path to reaching these goals and made it easier. A great task was carried out. The Zionist regime that had lost all control of itself wanted to extinguish this flood by bombing hospitals, schools, civilians, and children. It couldn't and won't be able to [stop this flood]. This flood will not disappear with these crimes

The Zionist regime did not achieve any of its goals. You are reading about this in the newspapers, the press, and such things, so I won't repeat these. It attacked the people out of nervousness and anger, but it was not of any use, nor will it be of any use. Rather, it

disgraced them even more.

The barbaric acts the Zionist regime committed, its ruthless acts, have not only disgraced the Zionist regime itself, they have also disgraced the US. Not only have they disgraced the US and disgraced some famous European countries, they have also disgraced Western civilization and culture. Western culture and civilization is a civilization that when 5,000 children are martyred with phosphorous bombs, the head of a certain Western country stands up and says that Israel is “defending” itself! Is this self-defense? Western culture is this. Western culture was disgraced in this event.

These tragedies that have taken place during the last 50 days are a summation of the crimes that the Zionist regime has been committing in Palestine for 75 years. What it has done now is that it has compressed its actions. Otherwise, it has been doing all these things throughout these years: Massacring people, driving them out of their homes, and destroying the homes [of the Palestinians]. Where have the settlements been built? Where have the Zionist settlements been built?

It destroyed people's homes, destroyed Palestinian farmland, and built Zionist settlements. If anyone stood up to them, they killed them. If they were children, they killed children, and they killed women. These are the actions they have been doing for 75 years. We believe, God willing, the Al-Aqsa Flood is inextinguishable, and they need to know that, by God's might and power, this situation will not continue.

Well, my speech has come to an end, but now I want to give a few recommendations

to the Basij. These recommendations are for both the Basij organization and the individual members of the Basij as well. My first recommendation to you is to increase insight in yourselves and in others. Insight is a very important issue.

My next recommendation: You take the initiative in important matters. Don't play into the hands of the enemy. If we have insight, we will understand the enemy's plots in these situations and won't act according to their plans. In other words, we won't play into the hands of the enemy.

My next recommendation: Never lose hope about the future and do not allow temptations to affect you. The clear reason as to why today's youth should always remain optimistic is that even though the country has always been under sanctions and an economic siege over the past 40-odd years, it has still made a great deal of progress.

We have made remarkable achievements not only in our weaponry, which everyone has seen on television, but also in various other fields in the country such as in services, in creating welfare facilities for different groups of people, in communications, in science, in technology, and in production. These achievements were made while the enemy thought they had closed all the doors to progress on us. Trade was banned, exports were banned, and many imports were banned. But the country progressed under these conditions.

So, is there any room left for despair in a country that progresses in this way? You are capable of doing everything. You have the ability to make advances a hundred times more than what we already have as long as

you are present and active in these fields. You can make advances if you put in the work, and this is something you are doing.

My next recommendation: Avoid feelings of arrogance. As I mentioned, do not become arrogant. Do not allow thoughts such as, “We are so good. We are loved so much. We are such good Basiji. They praise us so much. Imam said this about us. Others say that about us,” make you feel arrogant. You should thank God for giving you the honor to become a Basiji. You should thank God and ask Him to not take this blessing away from you.

My next recommendation: Never feel helpless or incapable of doing great things. If we are faced with a task that we cannot do but we put in the effort and are patient, it will certainly become possible to do and it will be done. When we are faced with tasks that for the time being appear to be impossible for us to do, the solution is to strive, have enough patience, avoid any hasty behaviors, and to put in the effort. We can certainly accomplish any great task. You should never feel you are incapable.

My next recommendation: As I previously mentioned, avoid displaying or showcasing meaningless work. Yes, things can be showcased and put on display, there is no problem with that and sometimes it is necessary, but only when it is something with a meaning and a purpose.

My next recommendation: This attribute and position that has been given to you — that is, being a Basiji — has been given to you by God as a trust. You should be appreciative, be loyal, and protect this trust well.

My next recommendation: Avoid false bipolarities. Bipolarities are always being created in the country. There are the supporters of Zaid and the supporters of Amr, the supporters of this idea and the supporters of that idea. What kind of talk is this? Those people who accept your beliefs, your principles, your religion, your Revolution, Velayat-e Faqih [the guardianship of the Islamic Jurist], and these kinds of things are your brothers, even if you have different opinions. One of the things that one should complain about is some of the statements that we see in the social media. They say unkind things to each other and quarrel over worthless matters. Avoid this. You, who are Basijis, do not do these things.

My final recommendation: Employ designers and planners in addition to operational forces. Planning, thinking, and designing are required before courage and bravery. Move forward wisely.

My final words to you are to put your trust in the Almighty God, “And whoever puts his trust in Allah, He will suffice him” (Quran 65:3). May God protect all of you, God willing.

May God’s greetings, mercy, and blessings be upon you.

**sayes
man**



Parvaneh Masoumi died

I was invited to a birthday party

Why am I in the mourning hall now ?

Qaiser Aminpour